



## Woman in Development and Politics

### Puberty Experience among Daughters of Single Fathers; Qualitative Study in Yazd

Ahmad Kalateh Sadati<sup>1</sup> | Fatemeh Adelhkhah<sup>2</sup> | Faezeh Shamsaddin Qotrom<sup>3</sup>

1. Associate professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. E-mail: [asadati@yazd.ac.ir](mailto:asadati@yazd.ac.ir)
2. Master student of sociology, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. E-mail: [adelkhah@stu.yazd.ac.ir](mailto:adelkhah@stu.yazd.ac.ir)
3. Master student of Social science research, Department of Cooperation and Social Welfare, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. E-mail: [faezeshams@stu.yazd.ac.ir](mailto:faezeshams@stu.yazd.ac.ir)

#### Article Info

##### Article type:

Research Article

##### Article history:

Received: 24 May 2023

Received in revised form: 1 August 2023

Accepted: 29 August 2023

Published online: 20 March 2024

##### Keywords:

fatherhood,  
single-parent family,  
shame,  
menstrual habit,  
maturity issues.

#### ABSTRACT

Puberty is a socially constructed, biologically complex, and complex phenomenon that females experience uniquely. Daughters who grow up with single fathers may undergo a distinct puberty experience. The main objective of this study also encompassed an examination of the difficulties encountered by the females of these groups in terms of health behaviors during menstruation, their understanding of puberty, and their experience about the subject. This qualitative study was conducted in Yazd between 2022 and 2023. The participants are 10 Yazd-born females between the ages of 13 and 16 who have lived with their fathers for over six months. Purposeful sampling was implemented within educational institutions. Conducting data analysis using the thematic analysis method. Thematic analysis was employed to discern recurring patterns and recurring themes within the qualitative data. The themes investigated in the research showed that puberty and its manifestation among daughters in the custody of their fathers is a patriarchal phenomenon that is influenced by the father's conduct. The experience of puberty is closely related to the father's behavior. The three themes which explored are: supportive father, neglectful father and problematic puberty. In fact, among our participants, the puberty experience is a matter that reproduces the family, cultural and social values and norms. It is suggested that due to the expansion of single-parent families, schools, cultural centers and the national media should have a strong awareness-raising role in the field of girls' puberty changes.

**Cite this article:** Kalateh Sadati, A., Adelhkhah, F., & Shamsaddin Qotrom, F. (2024). Puberty Experience among Daughters of Single Fathers; Qualitative Study in Yazd. *Women in Development and Politics*, 22(1), 115-142. DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.359676.1008343>



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.359676.1008343>



انتشارات دانشگاه تهران

## زن در توسعه و سیاست

## تجربه بلوغ در بین دختران تک‌والد پدرسرپرست؛ یک مطالعه کیفی در شهر یزد

احمد کلاته‌ساداتی<sup>۱</sup> | فاطمه عادل‌خواه<sup>۲</sup> | فائزه شمس‌الدین قطرم<sup>۳</sup>۱. دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: [asadati@yazd.ac.ir](mailto:asadati@yazd.ac.ir)۲. نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: [adelkhah@stu.yazd.ac.ir](mailto:adelkhah@stu.yazd.ac.ir)۳. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، گروه تعاون و رفاه اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: [faezehshams@stu.yazd.ac.ir](mailto:faezehshams@stu.yazd.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	بلوغ، پدیده‌ای زیستی، پیچیده و یک برساخت اجتماعی است که به‌صورت متفاوتی در دختران درک و تجربه می‌شود. دختران نوجوانی که در خانواده‌های پدرسرپرست زندگی می‌کنند، ممکن است به دلیل فقدان مادر با چالش‌های خاصی در دوران قاعدگی مواجه شوند. هدف از پژوهش حاضر فهم تجربه قاعدگی و مسائل خاص دختران پدرسرپرست در دوران بلوغ است. پژوهش حاضر، مطالعه‌ای کیفی است که در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ در شهر یزد انجام شد. ده دختر نوجوان پدرسرپرست ۱۳ تا ۱۶ ساله که بیش از شش ماه با پدر زندگی کرده‌اند، به‌صورت هدفمند وارد مطالعه شدند. داده‌ها با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری و با روش تحلیل مضمونی، تحلیل شد. نتایج تحقیق نشان داد که تجربه بلوغ نزد دختران پدرسرپرست، یک بازتولید اجتماعی- خانوادگی مردانه است که به‌طور مشخص با نگرش و رفتار پدر نسبت به بلوغ دختر مرتبط است. برخلاف پدران بی‌اعتنا به موضوع، دخترانی که پدران آن‌ها سعی بر درک مسئله دارند، بهتر می‌توانند موضوع را مدیریت کنند. سه مضمون برساخت شده تحقیق عبارتند از: پدر حامی، پدر بی‌اعتنا و بلوغ مسئله‌دار. نتیجه اینکه تجربه بلوغ دختران اگرچه با تغییرات زیستی آن‌ها مرتبط است، اما عمدتاً برساختی است متأثر از دیدگاه پدر، رفتار و نقش پدرا نه وی در این زمینه. به‌واقع، در دختران پدرسرپرست، تجربه بلوغ، امری بسترمند است که ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی آن را بازتولید می‌کند. پیشنهاد می‌شود با توجه به گسترش خانواده‌های تک‌والد پدرسرپرست، مدارس، مراکز فرهنگی و رسانه ملی نقش آگاهی‌بخشی پررنگی در زمینه تغییرات بلوغ دختران داشته باشند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۳	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۷	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱	
کلیدواژه‌ها:	
پدرانگی، خانواده تک‌والد، شرم، عادت ماهیانه، مسئله‌مندی بلوغ.	

استناد: کلاته‌ساداتی، احمد، عادل‌خواه، فاطمه، و شمس‌الدین قطرم، فائزه (۱۴۰۳). تجربه بلوغ در بین دختران تک‌والد پدرسرپرست؛ یک مطالعه کیفی در شهر یزد. زن

در توسعه و سیاست، ۲۲(۱)، ۱۱۵-۱۴۲. DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.359676.1008343>DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.359676.1008343>

© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

## ۱. مقدمه

خانواده کوچک‌ترین نهاد و هسته اولیه نظام اجتماعی است. این نهاد کوچک از یک زن، مرد و فرزند (ان) تشکیل شده است که نقش جامعه‌پذیری و بازتولید اعضای جامعه را بر عهده دارد (Azdanlou, 381: 2005). در دهه‌های اخیر با توجه به افزایش نرخ طلاق، زندگی مشترک بدون ازدواج، فوت یا مهاجرت یکی از والدین شاهد افزایش گونه‌ای از خانواده هستیم که فقط با یکی از والدین ادامه حیات می‌دهد (Saroukhani, 2017). بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، ۲/۷ درصد از خانوارهای کشور تک‌والد هستند و ۱۷ درصد خانوارهای تک‌والد کشور، دارای سرپرست مرد و ۸۳ درصد از این خانوارها دارای سرپرست زن هستند. به عبارتی تعداد خانوارهای تک‌والد کشور ۱/۷۵۳/۹۶۰ است (Statistical Centre of Iran, 2018). خانواده تک‌والد خانوادگی است که یکی از زوجین به دلیل فوت، طلاق یا مهاجرت حضور ندارند. یکی از اشکال خانواده تک‌والدی پدرسرپرستی است که فرزندان تنها با پدر زندگی می‌کنند و پدر به‌عنوان تنها سرپرست فرزندان وظیفه تأمین معاش و تربیت آنان را بر عهده دارد (Sider & Currie, 2013).

این شکل از خانواده دارای تجاربی متفاوت و منحصر به فرد است. در عین حال نیز نیازها و مسائل خاص خود را دارد و در صورت عدم برنامه‌ریزی برای رفع صحیح نیازهای این نوع از خانواده، منجر به آسیب‌هایی برای جامعه می‌شود. مهم‌ترین موضوع در این زمینه، نیازهای فرزندان در زمان بلوغ است. شروع نوجوانی با بلوغ<sup>۲</sup> مشخص می‌شود که برای برخی از نوجوانان دوره بسیار دشواری است؛ زیرا این دوره همراه با تغییرات و رشد سریع و چشمگیر است و اولین نشانه آن افزایش سریع قد و وزن است که همراه با رشد سریع بدن در ویژگی‌های جسمانی مربوط به عملکرد جنسی نیز تغییراتی رخ می‌دهد. برخی از این تغییرات در قالب تغییرات جنسی اولیه و برخی در قالب تغییرات جنسی ثانویه شناخته می‌شود. تجربه بلوغ می‌تواند برای پسران و دختران متفاوت باشد که البته متأثر از مفاهیم فرهنگی و اجتماعی در هر بستر است. روشن است که بلوغ دختران در این زمینه اهمیت زیادی دارد (Berk, 2018: 11).

بلوغ دختران با علائم و تجارب مختلفی همراه است. یکی از علائم مهم بلوغ در دختران، تجربه اولین قاعدگی<sup>۳</sup> است. این علامت معمولاً بعد از یک جهش قدی بارز اتفاق می‌افتد. اولین قاعدگی یا عادت ماهیانه یک دختر، نقطه عطفی در زندگی او به شمار می‌رود؛ زیرا نشانه تغییر از کودکی به

1. single parent family

2. puberty

3. menstruation

بزرگسالی است. دامنه سنی تجربه اولین قاعدگی از ۱۰/۵ تا ۱۵/۵ سالگی نوسان دارد؛ اما عموماً دختران در سن ۱۲/۵ سالگی اولین قاعدگی را تجربه می‌کنند (Berk, 2018: 10). این سن از فردی به فرد دیگر و با توجه به سایر عوامل از جمله وراثت و محیط متفاوت است. طبیعی است که یکی از عوامل تأثیرگذار بر این موضوع، نقش دیگر اعضای خانواده به خصوص پدر است. نوجوانان دختر، برای گذار از دوران بلوغ نیازمند اطلاعات و آگاهی هستند و ضروری است درباره بهداشت دوران بلوغ یعنی اصول و مراقبت‌هایی که باعث افزایش سلامت جسمی، عاطفی و روانی نوجوان در دوره بلوغ می‌شود، از منابع درست و معتبر اطلاعات و آگاهی کسب کنند؛ زیرا بیشتر مراقبت‌های بهداشتی و عادت‌ها در این دوره شکل می‌گیرد و تأثیر قابل توجهی بر رفتار بهداشتی در دوران بزرگسالی و سلامت جنسی نوجوانان می‌گذارد (ShamshriMilani, 2013).

جامعه ایران در چند دهه اخیر تغییرات اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای را تجربه کرده است که به لحاظ سیاست‌گذاری اجتماعی و فرهنگی نتوانسته‌ایم متناسب با این تغییرات به گروه نوجوان و جوان خود آموزش لازم سلامت جنسی و باروری را ارائه کنیم (Fatemi et al., 2023). علاوه بر این، امروزه با افزایش نرخ طلاق در جامعه ایران شاهد شکل‌گیری خانواده‌های تک‌سرپرست هستیم. یکی از انواع خانواده‌های تک‌سرپرست، خانواده پدرسرپرست است که با دختر(ان) نوجوان خود زندگی می‌کنند. این گروه از دختران نوجوان برای کسب آگاهی با چالش‌هایی مواجه هستند و برای یافتن پاسخ به سؤالاتی چون شرایط و وضعیت عادت ماهیانه، بهداشت فردی و بیماری‌های عفونی با مشکل مواجه‌اند. نداشتن سواد کافی در این زمینه و مهارت خودمراقبتی، باعث مشکلاتی در تجربه بلوغ و به خصوص اولین عادت ماهیانه می‌شود که این امر می‌تواند سلامت جنسی آنان را به مخاطره بیندازد. از سوی دیگر تاکنون مطالعه‌ای در این زمینه و در بستر اجتماعی ایران انجام نشده است. لذا ضرورت دارد درباره بلوغ و نقش پدر در دوران قاعدگی و تجارب زیسته دختران پدرسرپرست مطالعاتی صورت گیرد. بر این اساس، هدف کلی مطالعه حاضر، کشف و واکاوی تجربه بلوغ با تأکید بر تجربه قاعدگی، در میان دختران پدرسرپرست است.

## ۲. پیشینه پژوهش

### ۱-۲. پیشینه نظری

نظریه صریحی درباره تجربه قاعدگی دختران پدرسرپرست در دست نبود؛ اما می‌توان تجربه قاعدگی در بین دختران پدرسرپرست را با نظریات فوکو<sup>۱</sup> در خصوص قدرت-دانش، نظریه تعامل نمادین و نظریات فمینیستی تبیین و توصیف کرد:

### ۲-۱-۱. قدرت-دانش و بدنمندی

فوکو نظریه صریحی در مورد قاعدگی نداشت؛ با این حال، نظریات فوکو درباره قدرت، دانش و بدنمندی با درک چگونگی ساخت و مواجهه با قاعدگی در زمان‌ها و جوامع مختلف مرتبط است. نظریه فوکو با توجه به ساختار قدرت و دانش و روابط این دو با یکدیگر می‌تواند به تبیین شکل‌گیری فهم ما از قاعدگی و مواجهه ما با آن کمک کند. فوکو به‌عنوان یک ساختارگرا در پی طبیعی‌زدایی هنجارهاست و کشف راه‌های تولید دانش قاعدگی که بدن را با افکار و شیوه‌های خاص عمل، تشویق یا دلسرد می‌کند (Koskeniemi, 2022)؛ بنابراین، در مورد قاعدگی، ایده‌های فوکو نشان می‌دهد که نحوه تعریف، تنظیم و کنترل قاعدگی در طول تاریخ و در جوامع مختلف محصول قدرت و دانش است؛ به‌عنوان مثال در برخی جوامع، قاعدگی به‌عنوان منبع مقدس قدرت برای زنان تلقی شده، در حالی که در برخی دیگر، به‌عنوان یک راز کثیف و شرم‌آور تلقی شده است. قوانین و تابوهای مربوط به قاعدگی خودسرانه یا طبیعی نیستند، بلکه بخشی از ساختار اجتماعی جنسیت و تنظیم بدن در ارتباط با هنجارهای اجتماعی و فرهنگی هستند. رویکرد پسا‌ساختارگرایانه فوکو ما را به چالش می‌کشد تا راه‌هایی را که قدرت و دانش درک ما از قاعدگی را شکل می‌دهد، زیر سؤال ببریم و در نظر بگیریم که چگونه می‌توان در برابر این ساختارهای اجتماعی مقاومت کرد تا معانی و اعمال جدیدی در اطراف قاعدگی ایجاد کنیم. با این حال، ذکر این نکته ضروری است که هیچ نظریه صریحی به‌وسیله فوکو در رابطه با عادت ماهانه و خانواده پدرسرپرست وجود ندارد. برای خانواده‌های پدرسرپرست، این تجزیه و تحلیل می‌تواند شامل مسائلی چون تجربیات دختران در رابطه با قاعدگی و مدیریت عادت ماهیانه و تفاوت آن با خانواده‌هایی که مادر حضور دارد، باشد. همچنین باید نقش هنجارها و نهاد‌های فرهنگی، مانند مدارس یا سیستم‌های مراقبت‌های بهداشتی، در نحوه عملکرد خانواده پدرسرپرست را بررسی کرد. به‌طور کلی بررسی نظریات فوکو سبب ادراک تأثیر قدرت مردانه بر نحوه مواجهه با قاعدگی در خانواده پدرسرپرست می‌شود (White, 2017: 178).

### ۲-۱-۲. تعامل گرایی نمادین

یکی از نظریه‌های جامعه‌شناختی که ممکن است برای درک چالش‌های نوجوانان در دوران قاعدگی در خانواده‌های پدرسرپرست مرتبط باشد، تعامل گرایی نمادین است. این دیدگاه نظری نشان می‌دهد که افراد حس خود را از طریق تعامل با دیگران و معانی که به این تعاملات بروز می‌کند، توسعه می‌دهند. فقدان مادر در خانواده پدرسرپرست می‌تواند منجر به شکل‌گیری تفاسیر و تجارب متفاوتی در میان دختران در دوران قاعدگی شود. تئوری کنش متقابل نمادین نشان می‌دهد که نحوه مواجهه پدر با قاعدگی دختر بر ادراک و نحوه مواجهه دختران با این پدیده بیولوژیکی ارتباط دارد. تعامل گرایی نمادین می‌تواند به ما کمک کند درک کنیم که چگونه معانی مشترک و تعاملات اجتماعی می‌تواند بر تجربیات و نگرش دختران خانواده‌های پدرسرپرست به قاعدگی تأثیر بگذارد (Azadarmaki, 2019: 26).

### ۲-۱-۳. نظریات فمینیستی

چندین نظریه پرداز جامعه‌شناسی جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی قاعدگی را از دیدگاه فمینیستی بررسی کرده‌اند، از جمله: امیلی مارتین<sup>۱</sup>، کریس بوبل<sup>۲</sup>، مری داگلاس<sup>۳</sup>، گیل روبین<sup>۴</sup> و جولیت شور<sup>۵</sup>. امیلی مارتین در کتاب *زن در بدن: تحلیل فرهنگی تولیدمثل*، به مطالعه معانی و استعاره‌های فرهنگی پیرامون قاعدگی و تولیدمثل می‌پردازد. مارتین یک انسان‌شناس فرهنگی است که نظریه‌ای به نام «کلبه قاعدگی» را برای نشان دادن نحوه تصور و تجربه قاعدگی از منظر فرهنگی در جوامع مختلف ایجاد کرد. یکی از بحث‌های کلیدی مارتین این است که در دیدگاه سنتی قاعدگی به‌عنوان یک رویداد طبیعی و بیولوژیکی بیش از حد ساده‌انگارانه است. در عوض، او پیشنهاد می‌کند که تجربیات قاعدگی عمیقاً تحت تأثیر باورهای فرهنگی درمورد زنانگی، تولیدمثل و بدن است. او پیشنهاد می‌کند که یکی از دلایل اصلی این انگ فرهنگی، ارتباط بین قاعدگی و تولیدمثل است. در بسیاری از فرهنگ‌ها، قاعدگی به‌عنوان یادآوری پتانسیل باروری زنان در نظر گرفته می‌شود و در نتیجه اغلب با شرم و تابو همراه است. نظریه مارتین همچنین این تصور را که قاعدگی یک تجربه زنانه است به چالش می‌کشد. او استدلال می‌کند که ساخت فرهنگی قاعدگی تأثیرات گسترده‌ای دارد که فراتر از تجربیات فردی است؛ به‌عنوان مثال، باورهای فرهنگی که قاعدگی را با زنانگی و

1. Emily Martin
2. Chris Bobel
3. Mary Douglass
4. Gayle Rubin
5. Juliet Schor

ضعف مرتبط می‌کند، می‌تواند به نابرابری جنسیتی کمک و فرصت‌های زنان را محدود کند. نظریه او با روشن کردن راه‌هایی که در آن باورهای فرهنگی ادراکات و تجربیات ما از قاعدگی را شکل می‌دهند، راه‌های جدیدی را برای درک روابط پیچیده بین جنسیت، بدن و فرهنگ باز می‌کند (Martin, 2001).

کریس بوبل در کتاب *خون جدید: فمینیسم موج سوم و سیاست قاعدگی*، قاعدگی را به‌عنوان یک موضوع سیاسی و فرهنگی در جنبش فمینیستی بررسی می‌کند. کریس بوبل یک محقق فمینیست است که نظریه‌ای به نام «فعالیت قاعدگی تجسم‌یافته» را ارائه کرده است. این نظریه بر تجربیات زندگی افراد در حال قاعدگی و تلاش آن‌ها برای به چالش کشیدن نگرش‌ها و اعمال فرهنگی منفی مرتبط با قاعدگی تأکید می‌کند. به گفته بوبل، قاعدگی مدت‌هاست که به‌عنوان یک مسئله کثیف، شرم‌آور و منبع ضعف یا آسیب‌پذیری انگ می‌خورد. او استدلال می‌کند که فعالان قاعدگی به دنبال بازیابی و جشن گرفتن قاعدگی به‌عنوان یک فرایند طبیعی و بدنی سالم هستند و ساختارهای قدرت اجتماعی را که باعث تداوم انگ و تبعیض قاعدگی می‌شوند، به چالش می‌کشند. فعالیت قاعدگی تجسم‌یافته شامل درگیر شدن در فعالیت‌هایی مانند هنر قاعدگی، فعالیت محصول قاعدگی و آموزش بهداشت قاعدگی برای ارتقای مثبت‌بودن بدن و توانمندسازی قاعدگی است. به‌طور خلاصه، کنش قاعدگی تجسم‌یافته یک نظریه فمینیستی است که اهمیت قاعدگی را به‌عنوان یک تجربه بدنی برجسته می‌کند و به دنبال به چالش کشیدن نگرش‌ها و شیوه‌های اجتماعی است که از طریق آموزش، حمایت و بیان خلاق، انگ و تبعیض قاعدگی را تداوم می‌بخشد (Bobel, 2010).

مری داگلاس در کتاب *پاکی و خطر: تحلیلی بر مفاهیم آلودگی و تابو معانی فرهنگی و نمادین خون قاعدگی* را به‌عنوان نوعی آلودگی در بسیاری از جوامع بررسی می‌کند. پاکی و خطر نظریه‌ای است که به‌وسیله مری داگلاس انسان‌شناس ارائه شده است و اهمیت فرهنگی آلودگی و تابو را توضیح می‌دهد. این نظریه بیان می‌کند که افراد تمایل ذاتی به ایجادکردن نظم در محیط اطراف خود دارند و این کار را با طبقه‌بندی اشیاء براساس دسته‌بندی‌های مجموعه انجام می‌دهند. این دسته‌بندی‌ها به‌وسیله هنجارها و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی تعیین می‌شوند و به افراد کمک می‌کنند تا خود، دنیای خود و اعمالشان را تعریف کنند. به گفته داگلاس، آلودگی چیزی است که خارج از این دسته‌بندی‌ها قرار دارد و نشان‌دهنده فروپاشی نظم هنجاری است؛ بنابراین آلودگی خطری برای ثبات و نظم فرهنگی تلقی می‌شود. قاعدگی یکی از این‌گونه آلودگی‌ها است که ماده متجاوز به حساب می‌آید (Douglas, 2002).

گیل روبین یک انسان‌شناس فمینیست است و کار او در مورد قاعدگی بخشی از مجموعه بزرگ‌تر کار او در مورد جنس و جنسیت است. روبین در مقاله «ترافیک زنان» این نظریه را مطرح می‌کند که تابوهای قاعدگی یکی از راه‌هایی است که جوامع می‌توانند جنسیت زنان را تنظیم و کنترل کنند. او استدلال می‌کند که قاعدگی از نظر تاریخی در بسیاری از فرهنگ‌ها، آلوده‌کننده و خطرناک تلقی شده است و همین به به‌حاشیه‌راندن و تحت انقیاد قرارگرفتن زنان کمک کرده است. علاوه‌براین، روبین پیشنهاد می‌کند که تابوهای قاعدگی مبتنی بر ترس از قدرت زنانه است؛ زیرا قاعدگی به‌عنوان نشانه‌ای از قابلیت‌های باروری زنان و نشانگر پتانسیل آن‌ها برای باروری در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، قاعدگی یک مکان مهم کنترل فرهنگی و تنظیم بر بدن و تمایلات جنسی زنان است (Rubin, 1975). درنهایت اینکه، شور در کتاب *آمریکایی بیش‌ازحد خرج‌شده: چرا چیزی را می‌خواهیم که به آن نیازی نداریم*، استدلال می‌کند که قاعدگی در جوامع مدرن سرمایه‌داری کالایی شده است. او پیشنهاد می‌کند که صنعت محصولات قاعدگی، مانند تامپون و پد، در نتیجه کمپین‌های تبلیغاتی که زنان را تشویق می‌کند تا سیکل‌های قاعدگی خود را به‌عنوان منبع شرم و خجالت ببینند، رشد کرده است. این به‌نوبه خود منجر به تقاضا برای محصولاتی می‌شود که وعده «مدیریت» یا «کنترل» قاعدگی زنان را می‌دهند (Schor, 1998).

## ۲-۲. پیشینه تجربی

اسمیت<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله «تقاطع قاعدگی، مدرسه و خانواده: تجربیات دخترانی که در مناطق شهری در ایالات متحده بزرگ می‌شوند» به بررسی تجربیات دختران در دوران قاعدگی و بلوغ در خانواده، محیط مدرسه، جوامع و شبکه‌های اجتماعی پرداختند. این مطالعه با رویکرد کیفی و مطالعه مشارکتی در بین ۷۳ دختر سیاه‌پوست و لاتین ۱۵ تا ۱۹ سال در سه شهر نیویورک، لس‌آنجلس و شیکاگو انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد سه چالش اصلی دختران عبارت‌اند از: (۱) دانش ناکافی قاعدگی و آمادگی عملی برای مدیریت دوره‌ها؛ (۲) چالش‌های مرتبط با درد قاعدگی؛ (۳) چگونه قاعدگی مانع فعالیت‌های فیزیکی و ورزشی دختران در مدرسه می‌شود. نیاز به راهنمایی بهبودیافته در مورد عملکردهای مدیریت پریرود و راهبردهای حمایت از دخترانی که درد قاعدگی دارند، وجود دارد. درنهایت، با توجه به مزایای فعالیت بدنی بر سلامت دختران، رویکردهای جدیدی برای بهبود تجربیات ورزشی و فعالیت بدنی آن‌ها در دوران قاعدگی موردنیاز است.



فهرس<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای با عنوان «خون خواهد بود: تجربیات مثبت و منفی زنان در دوران قاعدگی»، به مطالعه معنای مثبت و منفی دوران قاعدگی زنان پرداخت. این مطالعه در جنوب غرب ایالات متحده آمریکا در میان ۲۰ زن از طبقه، نژاد و گرایش جنسی متفاوت انجام شد. سه مضمون در تجارب مثبت زنان از قاعدگی بر ساخت شد که عبارت‌اند از: ۱. عدم بارداری؛ ۲. طبیعت بدن زنانه؛ ۳. درد قابل تحمل قاعدگی. همچنین در تجربیات منفی، چهار مضمون شناسایی شد: اول، ترس از خونریزی شدید؛ دوم، خجالت از خونریزی؛ سوم، درد جسمانی؛ و چهارم، قاعدگی ناخوشایند و دردناک. بیشتر زنان قادر به ابراز حتی یک تجربه مثبت در مورد قاعدگی نبودند اما در توصیف آن‌ها از جنبه‌های منفی قاعدگی، به‌ویژه در ارزیابی دیگران، به‌خصوص مردان، جزئیات فراوانی درباره احساس منفی آن‌ها وجود داشت.

هنگان<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله «تجربیات زنان و دختران از قاعدگی در کشورهای با درآمد کم و متوسط» به بررسی تجربیات زنان و دختران از قاعدگی و چالش‌های آنان پرداخته است. روش تحقیق مطالعه اسنادی و روش کیفی از طریق مصاحبه عمیق است. وی نتیجه می‌گیرد از طریق ترکیب مطالعات کیفی موجود در مورد تجربه قاعدگی، ما چالش‌های ثابت را برجسته می‌کنیم و یک مدل یکپارچه از تجربه قاعدگی ایجاد می‌کنیم. این مدل مسیرهای جهت‌داری را فرض می‌کند که می‌توانند به وسیله مطالعات آینده آزمایش شوند و ممکن است به‌عنوان چارچوبی برای توسعه برنامه و سیاست با برجسته کردن سوابق و مسیرهای حیاتی عمل کنند که از طریق آن مداخلات می‌توانند سلامت و رفاه زنان و دختران را بهبود بخشند.

راجاگوپال و ماتور<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) در مقاله «شکستن سکوت در مورد قاعدگی، تجربیات دختران نوجوان در یک محیط شهری در هند» به تحقیق در مورد تجربیات و چالش‌های پیش‌روی دختران نوجوان در مدیریت قاعدگی در مدرسه و خانه در محله‌های فقیرنشین جی‌پور راجستان می‌پردازد. این مطالعه همچنین به بررسی تأثیر سیاست‌های رهبری دولت می‌پردازد و بر این اساس، استدلال می‌کند که باید سکوت مداوم درباره قاعدگی شکسته شود و این امر نه تنها با مدیریت عملی مسائل مربوط به قاعدگی بلکه با ایجاد یک محیط حمایتی برای توانمندسازی دختران و افزایش آگاهی آن‌ها درباره بدن خود و شکستن تابوهای مرتبط با قاعدگی امکان‌پذیر است.

1. Fahs

2. Hennegan

3. Rajagopal &amp; Mathur

بلو<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای کیفی واکنش‌های بین‌فرهنگی و بین‌نسلی نوجوانان و والدین جوان در دوران بلوغ در شهرهای ایله‌ایفه نیجریه و نایروبی در کنیا را ارزیابی می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که واکنش‌های والدین و نوجوانان به بلوغ در هر دو محل تفاوت چشم‌گیری نداشت. واکنش نوجوانان به تغییرات بدنی، از اضطراب تا غرور، متفاوت است. به‌طور کلی، نوجوانان بیشتر سعی دارند حریم خصوصی خود را حفظ کنند و بدن در حال رشد خود را از دیگران پنهان کنند. در حالی که بیشتر نوجوانان دختر بر رشد سینه‌ها به‌عنوان علامت شروع بلوغ تأکید دارند، مردان بر تغییرات صدا تمرکز می‌کنند. در میان برخی از گروه‌های قومی در نایروبی، والدین و نوجوانان ختنه مردان را ویژگی بارز دوران نوجوانی می‌دانند. والدین در هر دو شهر گزارش دادند که با تغییرات بلوغ، نوجوانان درگیر غرور و روابط جنسی می‌شوند. پیشنهادهای والدین درباره بلوغ عبارت‌اند از: آموزش نوجوانان در مورد تغییرات بدن، مشاوره در مورد روابط جنسی و ارائه لوازم بهداشتی به دختران نوجوان. پاسخ‌های والدین بیشتر روی دختران متمرکز است، هر چند رویکردهای مادران با نیازهای واقعیت متفاوت است.

سیدر<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) در مقاله «پدران مجرد و دخترانشان: کار تیمی»، به بررسی دیدگاه‌های دختران پدرسرپرست با توجه به تجربیات و روابط خود با پدران در کانادا پرداخته است. سه مضمون بر ساخت شده تحقیق مذکور عبارت‌اند از: انتظارات و مشارکت والدین، وظایف خانه و روابط خانوادگی. محقق نتیجه می‌گیرد اگرچه چالش‌هایی در خانواده‌های تک‌پدري وجود داشت، اما دخترانی که در این مطالعه شرکت کردند مطمئناً از شایستگی کار با پدران خود به‌عنوان یک گروه تمجید کردند.

کوپر<sup>۳</sup> و کوچ<sup>۴</sup> (۲۰۰۷) در مطالعه «هیچ‌کس به من چیزی نگفت: ارتباط در مورد قاعدگی در میان زنان آفریقایی-آمریکایی کم‌درآمد» به بررسی ارتباط در مورد قاعدگی در میان زنان آفریقایی کم‌درآمد و تأثیر این ارتباط بر درک و نگرش آن‌ها نسبت به رویدادهای قاعدگی پرداختند که در طول زندگی آن‌ها رخ می‌دهد. در این مطالعه از روش نظریه زمینه‌ای استفاده شد و با هدفه زن آفریقایی-آمریکایی که در یک پروژه مسکن عمومی شرکت داشتند، مصاحبه شد. نتایج نشان داد موضوع اصلی مورد بحث و بررسی، اجتناب یا برخورد منفی با قاعدگی در زندگی زنان بود. فقر دانش زنان در مطالعه حاضر به علت دسترسی کم و بسیار محدود به منابع یادگیری قاعدگی از مدرسه، اطلاعات اندک مادران و سایر زنان بود. این موضوع سبب شده است افراد باورهای نادرست و نگرش

1. Bello  
2. Sider  
3. Cooper  
4. Koch

منفی درباره قاعدگی، یائسگی و مسائل بهداشتی مرتبط با آن داشته باشند؛ درحالی‌که این زنان به دنبال برقراری ارتباطات بهتر هستند، اما سابقه اجتناب و بحث منفی درمورد قاعدگی ممکن است در آینده برقراری گفت‌وگوهای مثبت و آموزنده با دیگران را دشوار کند، مگر اینکه از طریق مداخلات آموزشی مناسب، این مسئله را بهبود ببخشند.

آذربهرام و مقصودی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تجربه زیسته دانش‌آموزان دختر تیزهوش شهر کرمان از دوران قاعدگی‌شان» به بررسی تجارب زیسته پانزده دختر کلاس دهم تیزهوشان شهر کرمان با رویکرد پدیدارشناسی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که افزایش آگاهی دانش‌آموزان از قاعدگی باعث می‌شود که درک و توانایی بیشتری در غلبه بر مشکلات روحی-جسمی این دوره را داشته باشند.

باقری‌نیا و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی «تجربه قاعدگی در میان زنان ایرانی (یک مطالعه کیفی با روش جمع‌آوری اینستاگرام)» پرداختند. نتایج نشان داد که تجربه دوران نوجوانی از قاعدگی در ایران تحت تأثیر دو عامل محیط خانواده و مدرسه است و آن‌ها نتیجه گرفتند که قاعدگی هنوز به صورت تابو بوده و محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی نیز باعث شده که حتی خود زنان، از صحبت کردن درمورد نیازهای خود در این زمینه شرم داشته باشند که نتیجه آن، تجربه منفی از یک پدیده زیستی برای بیشتر زنان و دختران در ایران است.

اسلامی‌مهر و همکاران (۱۳۹۶) در «بررسی تأثیر آموزش بر ارتقای آگاهی و رفتارهای بهداشتی دوران عادت ماهیانه دانش‌آموزان دختر متوسطه اول شهر خمیر» به این نتیجه رسیدند که آموزش به دختران در خصوص بهداشت بلوغ جنسی به افزایش نمره سواد و عملکرد آنان انجامیده است. آهون‌بر و محمدیان (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت‌عنوان اثربخشی آموزش مسائل مربوط به دوره بلوغ بر میزان آگاهی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه اول شهر ایلام دریافتند که تفاوت میزان آگاهی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر ایلام در زمینه بلوغ، قبل و بعد از آموزش از لحاظ آماری معنادار است. کاشفی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی آگاهی و عملکرد دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر بجنورد درمورد بهداشت دوران قاعدگی نشان دادند که سطح آگاهی و عملکرد دختران درمورد بهداشت دوران قاعدگی بیش‌ازحد پایین است. عباسی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیق خود با موضوع بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه استان ایلام در رابطه بهداشت فردی (بهداشت دوران قاعدگی) دریافتند که میزان آگاهی دانش‌آموزان در حوزه بهداشت دوران قاعدگی مطلوب است اما نگرششان درمورد بهداشت دوران قاعدگی نامطلوب است.

سلطان‌احمدی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان تجربه اولین قاعدگی پنج درون‌مایه اصلی شامل آمادگی ناکافی، وجود احساسات متناقض، وجود مشکلات متعدد، حمایت و ایجاد واقعه

مهم و شخصی را نشان دادند. نجفی و همکاران (۱۳۹۱) مطالعه‌ای با عنوان «بررسی آگاهی و نگرش دانش‌آموزان دختر پایه سوم راهنمایی در زمینه بهداشت دوران بلوغ» احصا کردند که بین میزان تحصیلات مادر واحدهای مورد پژوهش با آگاهی آن‌ها در مورد بهداشت دوران بلوغ، ارتباط معنادار آماری وجود دارد. افشاری و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه خود به این نتایج رسیدند که دانش در مورد بلوغ و قاعدگی در دختران در سطح متوسط است و اغلب نیز آموخته شده به واسطه مادر است؛ بنابراین برنامه‌های آموزشی برای دختران در این محدوده سنی ضروری است تا آن‌ها را دانش‌پذیرتر کند. خلیلی و بختیاری (۱۳۸۷) در تحقیق خود نشان دادند که مناسب‌ترین شیوه‌های مواجهه با بحران این دوره، رویکرد فرهنگی-تربیتی و ارائه آموزش‌های غیررسمی به خانواده‌ها است.

مرور پیشینه نشان می‌دهد دوران بلوغ به‌خصوص برای دختران، نیازمند دانش و سواد لازم و ارتقای رفتار بهداشتی است؛ همچنین نقش مادران در تجربه بلوغ برجسته است. بلوغ برای دخترانی که در شرایط تحت حضانت پدر به بلوغ می‌رسند، ممکن است تجربه‌ای بسیار متفاوت با دخترانی باشد که در شرایط مرسوم خانواده بزرگ شده‌اند. به همین دلیل، تحقیقات درباره تجربه بلوغ دختران تک‌والد پدرسرپرست، بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند به درک بهتر از نیازها و مشکلات این دختران کمک کند. تاکنون مطالعه‌ای در ایران درباره دختران تک‌والد پدرسرپرست صورت نگرفته است.

### ۳. روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر یک مطالعه با رویکرد کیفی است که در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ و در شهر یزد به روش تحلیل مضمون انجام گرفته است. به منظور انتخاب مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس استفاده شد. مشارکت‌کنندگان در تحقیق دختران ۱۳ تا ۱۶ ساله شهر یزد هستند که بیشتر از شش ماه تجربه زندگی با پدر را دارند. میدان مطالعه مدارس حاج یدالله پسران، براننده‌مقدم، ادب و نسبیه بود. مشارکت‌کنندگان به صورت داوطلبانه با ما همکاری کردند. بعد از انتخاب نمونه با فرد، زمانی تعیین و مصاحبه انجام می‌شد. با مینا قراردادادن معیار اشباع داده‌ها در تحقیقات کیفی، محققان با ۱۰ نفر مصاحبه انجام دادند (جدول ۱).

جدول ۱. ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در تحقیق

شماره مشارکت‌کننده	اسم مستعار	سن	علت تک‌والدی	مدت جدایی از مادر
۱	مهسا	۱۵	طلاق	۶ سال
۲	سارا	۱۳	طلاق	۲ سال
۳	مریم	۱۵	طلاق	۲ سال
۴	رؤیا	۱۵	طلاق	۸ سال

شماره مشارکت‌کننده	اسم مستعار	سن	علت تک‌والدی	مدت جدایی از مادر
۵	نازنین	۱۴	طلاق	۴ سال
۶	النا	۱۵	طلاق	۴ سال
۷	یسنا	۱۴	طلاق	۲ سال
۸	محدثه	۱۵	فوت مادر	۵ سال
۹	فرناز	۱۶	طلاق	۶ سال
۱۰	شادی	۱۵	طلاق	۲ سال

جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد. سؤالات اصلی‌ای که از دختران پرسیده شد عبارت‌اند از: «لطفاً درباره تجربه بلوغت با ما صحبت کن، چگونه لوازم بهداشتی را تهیه می‌کنی؟ وقتی پریودی پدرت می‌داند؟ و چه کمک‌هایی می‌کند؟» با توجه به پاسخ مشارکت‌کنندگان، محقق سؤالات تکمیلی را نیز از آنان می‌پرسید. مدت مصاحبه‌ها بین ۱۵ تا ۴۰ دقیقه بود. با رعایت اخلاق تحقیق و رضایت مشارکت‌کننده، مصاحبه‌ها ضبط می‌شد.

به‌منظور تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شد. تحلیل مضمون، روش کیفی معمول برای شناسایی، گزارش و تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌منظور استخراج معانی تولیدشده از سوی مشارکت‌کنندگان در پژوهش است (Taheri Demneh & Heidari Darani, 2020). با استفاده از روش تحلیل مضمون الگوها و مضمون‌های موجود در داده‌های کیفی شناسایی شد. با استفاده از روش تجزیه و تحلیل مضمونی، الگوی موجود در داده‌ها بر اساس پرسش‌های پژوهش شناسایی شده و در قالب کد اولیه، مضامین فرعی و اصلی دسته‌بندی شده است (Asghari, 2022). به‌طور مختصر به‌منظور تحلیل مضمون مراحل زیر انجام گرفته است:

گام اول: آشنایی با متن، به مرحله‌ای که پژوهشگران با خوانش چندباره داده‌ها تلاش می‌کنند به چارچوبی کلی از واقعیت دست پیدا کنند. بدین‌منظور ابتدا مصاحبه‌های صوتی انجام شد و به نگرارش درآمد، مجدد خوانده شد تا با داده‌ها آشنایی صورت بگیرد (Kalateh Sadati & Falakodin, 2022).

گام دوم: ایجاد کدهای اولیه؛ کدگذاری گام دوم زمانی آغاز می‌شود که محقق داده‌ها را مطالعه کرده و با آن‌ها آشنا است. همچنین فهرستی اولیه از ایده‌های موجود در داده‌ها و نکات جالب آن‌ها تهیه می‌شود.

گام سوم: جست‌وجو و شناخت مضامین، وقتی شروع می‌شود که همه داده‌ها کدگذاری اولیه شده باشند و فهرستی طولانی از کدهای مختلف در مجموعه داده‌ها شناخته شود. این گام به تحلیل در سطحی کلان‌تر از کدهای اولیه می‌پردازد.

گام چهارم: در این مرحله بررسی می‌شود که آیا مضمون‌های فرعی ایجاد شده به خوبی مفاهیم تحت‌شمول خود را پوشش می‌دهند یا خیر و اینکه آیا مضمون‌های اصلی مناسب مضمون‌های فرعی تحت‌شمول خود هستند یا نه. در این مرحله، مضمون‌های اولیه که در گام سوم شناسایی شدند، بررسی و اصلاح و توسعه داده می‌شوند (Hashemi & Ghasemi, 2020).

گام پنجم: این مرحله اصلاح نهایی مضمون‌هاست و هدف «شناسایی» ماهیت آن چیزی است که هر مضمون در مورد آن است؛ در این گام مضامین به دست‌آمده برای تحلیل داده‌ها، نام‌گذاری، تعریف و تعدیل می‌شوند (Kalateh Sadati & Falakodin, 2022). در این مرحله بررسی می‌شود که مضمون چه می‌گوید. اگر مضمون فرعی وجود دارد، چگونه با مضمون اصلی ارتباط برقرار می‌کند و چگونه آن‌ها ارتباط متقابل دارند؟ چه نوع ارتباطی بین مضمون‌ها وجود دارد؟ (Hashemi & Ghasemi, 2020).

گام ششم: تدوین گزارش این گام وقتی آغاز شود که مجموعه کاملی از مضامین نهایی فراهم شود. در این مرحله محقق به تحلیل و تدوین گزارش نهایی تحقیق می‌پردازد. به منظور اعتبارپذیری یافته‌ها مواردی چون بررسی زوایای مختلف موضوع مورد مطالعه، تبادل نظر با هم‌تایان، کفایت مراجع، تحلیل موارد منفی و کنترل از سوی اعضا انجام شد. برای بررسی زوایای مختلف موضوع با اشخاص متفاوت در زمان‌ها و مکان‌های مختلف مصاحبه انجام شد و به سبب کاستن سوگیری‌های شخصی در تحلیل و تفسیر از محققان دیگر نیز استفاده شد.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

تحلیل داده‌ها نشان داد که تجربه بلوغ عمیقاً ارتباط تنگاتنگی با رفتار پدر دارد. بدین معنا که نگرش و رفتار پدر در این زمینه می‌تواند تجارب متفاوتی برای مشارکت‌کنندگان به همراه داشته باشد. پدران که سعی بر درک درست موضوع و پذیرش آن دارند و در راستای حمایت از دختر خود هستند، کمک زیادی به پذیرش این موضوع در فرزند خود می‌کنند. برخلاف آن پدران آن‌د که نسبت به موضوع بی‌اعتنا هستند و آن را مورد اغماض و بی‌اعتنایی قرار می‌دهند. اینان بلوغ را به پدیده‌ای مسئله‌مند تبدیل می‌کنند که دختر احساس شرم و پنهان‌کاری و در مواردی کاهش اعتمادبه‌نفس و انزجار از این پدیده طبیعی را تجربه می‌کند. از تحلیل داده‌ها ۵۰ مفهوم و از تحلیل مفاهیم ۹ مقوله و از بین آن‌ها ۳ مضمون استخراج شد. سه مضمون کلان از تحقیق شناسایی شد که عبارت‌اند از: پدر حامی، پدر بی‌اعتنا و بلوغ مسئله‌دار (جدول ۲).

جدول ۲. بر ساخت اجتماعی بلوغ در میان دختران پدرسرپرست

مضمین اصلی	مضمین فرعی	کد اولیه
پدر حامی	حمایت عاطفی	فهم تغییرات خلق و خو، مدارا با تغییرات خلق و خو، ملاحظه و توجه به قاعدگی دختر
	حمایت عملی	تأمین وسایل بهداشتی توسط پدر، کمک در رفع لکه‌های خونی تدارک وسایل بهداشتی با پرداخت هزینه، مدارا و سازش تهیه وسایل بهداشتی به وسیله برادر، مشاجره کمتر (تهیه غذای مناسب، تهیه لوازم بهداشتی، تهیه قرص)
	حمایت اطلاعاتی	راهنمایی پدر در استفاده از پد بهداشتی، صحبت درباره قاعدگی با پدر
پدر بی‌اعتنا	بی‌اعتنایی عملی	تهیه لوازم بهداشتی به وسیله دختر، بی‌سوادی پدر، دشواری دختر در تهیه لوازم بهداشتی، نادیده گرفتن نیازهای دختر، نوشتن نیازها روی کاغذ، عدم توجه به دردهای قاعدگی، بی‌توجهی به تغییرات ظاهری و بی‌حالی
	بی‌اعتنایی عاطفی	عدم حمایت پدر، بی‌توجهی پدر، بزرگ شدن بدون حمایت و پشتیبانی والدین، بی‌اعتنایی پدر به مسائل بهداشتی، فاصله عاطفی پدر و دختر، شکل‌گیری نفرت، عدم توانایی پدر در درک شرایط، احساس تنهایی دختر، نادیده گرفتن ضعف و بی‌حالی دختر
بلوغ مسئله‌مدار	فراافکنی ناخواسته قاعدگی	عدم تمایل دختر به بحث درباره مسائل پریشانی با پدر، عدم تمایل بیان مستقیم نیازهای خود، سختی زندگی با مرد، دوری‌گزینی از پدر، تشدید احساسات منفی در تجربه قاعدگی در غیاب مادر
	سخت‌شدگی تقاضا	کمک نخواستن از پدر برای تهیه وسایل، غیرمستقیم بیان کردن، با اشاره به دل‌درد گفتن، پیام‌دادن، عدم صحبت مستقیم درباره پریشانی، پنهان کردن خرید لوازم بهداشتی با خرید خوراکی
	شرم	خجالت در بیان خواسته خود، یادداشت کردن وسایل بهداشتی روی کاغذ، شرم در بیان نیازهای خود، رعایت حریم خصوصی مهم، عدم بیان مسائل قاعدگی به پدر، پنهان کردن دوران عادت ماهیانه، عدم توانایی صحبت در این باره، خجالت از برادر(ان)
	رسیدگی نامطلوب	عدم رعایت مراقبت‌های بهداشتی در دوران قاعدگی، عدم مراقبت غذایی در نبود مادر، محدودیت در انتخاب پوشش مناسب در دوران قاعدگی، جاساز کردن وسایل بهداشتی، پنهان کردن در پلاستیک مشکی، عدم حمایت، عدم دسترسی به مسکن‌ها و لوازم تسکین درد قاعدگی، ناآگاهی در تهیه مواد غذایی و مراقبتی

#### ۴-۱. پدر حامی

قاعدگی موضوعی حساس برای پدران و دختران است. از آنجا که دختران نوجوان تغییرات هورمونی و فیزیکی مختلفی را پشت سر می‌گذارند، نیازمند وجود فردی حامی هستند. در خانواده پدرسرپرست نقش حمایتی، برعهده پدر است. پدر حامی از نگاه دختران مشارکت‌کننده در تحقیق، پدری است که نسبت به دوران بلوغ و قاعدگی آگاه، حامی و احساس دلگرمی ایجاد می‌کند. پدر حامی از نگاه مشارکت‌کنندگان پدری است که بدون احساس شرم می‌تواند اطلاعات ضروری را به دختر منتقل

کند و درواقع پشتیبان او است. پدر حامی، عادت ماهیانه و تغییرات مرتبط با بلوغ را به شیوه‌ای قابل درک و راحت برای فرزندانش توضیح می‌دهد به طوری که دختر احساس راحتی با موضوع دارد. «من اولین باری که عادت شدم بابام برام همه چیو توضیح داد و می‌دونم سیستم بدن زنان به نحویه که باید این اتفاق بیفته» (النا ۱۵ ساله).

مضمون پدر حامی حاصل مضامین فرعی حمایت عاطفی، حمایت عملی و حمایت اطلاعاتی است.

#### ۴-۱-۱. حمایت عاطفی

مشارکت‌کنندگان بیان کردند در دوران بلوغ با شروع قاعدگی نوسانات خلقی مانند احساس زودرنجی، خستگی، پرخاشگری و... را نیز تجربه می‌کنند. دو نفر از مشارکت‌کنندگان بیان کردند پدران آنان تغییرات خلقی و عاطفی را به خوبی درک و آرامش خود را حفظ می‌کنند و می‌توانند در مواقع احساس ناراحتی، غم و عصبانیت با خونسردی و آرامش کنار دختر خود باشند. پدر حامی، در دوران قاعدگی با محبت‌های کلامی، غیرکلامی چون خرید خوراکی محبوب، بیرون رفتن و... باعث احساس آرامش و کاهش احساسات حاصل از تغییرات هورمونی می‌شدند. پدران حامی، باعث می‌شدند دخترانشان نسبت به قاعدگی نگرش مثبتی داشته باشند و آن را بخشی از طبیعت زنانه تلقی می‌کردند. «بله خودشون متوجه هستن که من این دوره بیشتر عصبانی هستم، می‌دونم منو درک می‌کنن، ازم ناراحت نمی‌شن» (مهسا ۱۵ ساله).

«درکم می‌کنه، باهاش راحتم... وقتی تو خودم می‌رم می‌آد درکم می‌کنه و نوازشم می‌کنه. من اصلاً از پیرودی حس خجالت ندارم» (النا ۱۵ ساله).

#### ۴-۱-۲. حمایت عملی

مشارکت‌کنندگان بیان کردند در دوران قاعدگی در غیاب مادر تهیه لوازم بهداشتی چالش‌های بیشتری دارد. پدران حامی در این زمینه نقش بسزایی ایفا می‌کنند، بدین گونه که لوازم بهداشتی را از قبل تهیه می‌کنند و در اختیار دختر قرار می‌دهند و یا به دختر خود در تهیه وسایل بهداشتی یاری می‌رسانند. پدران حامی در دوران قاعدگی دختران خود، اقدام به تهیه غذای سازگار با تغییرات هورمونی و همچنین تهیه دم‌نوش، در صورت ضرورت قرص موردنیاز و کیسه آبگرم و... می‌کنند. «نواربهداشتی می‌خوام، مستقیم بهش می‌گم می‌ره می‌خره... وقتی می‌فهمه (پیرودم) حواسش هست چیزهای سرد نخورم. بابام که می‌فهمه کاری به کارم نداره و واسه شام و نهار صدام می‌کنه. می‌ذاره تنها باشم» (مهسا ۱۵ ساله).



**۴-۱-۳. حمایت اطلاعاتی**

قاعدگی رویدادی مهم در زندگی دختران نوجوان است؛ در صورتی که قاعدگی همراه با آگاهی باشد، این دوران به‌عنوان چرخه طبیعی زنانگی تلقی می‌شود. در غیراین‌صورت، همراه با چالش‌ها و مشکلات خاص خود است. در میان دختران پدرسرپرست، پدر نقش کلیدی در نحوه مواجهه دختر با قاعدگی دارد. نتایج نشان داد زمانی که پدر در مواجهه با قاعدگی دختر در پی راهنمایی و پاسخ به پرسش‌ها باشد، مواجهه با قاعدگی از لحاظ روانی بسیار آسان‌تر می‌شود. برخی از مشارکت‌کنندگان بیان کردند که پدرانشان در اولین قاعدگی نقش راهنما و حمایتگر اطلاعاتی را داشته است و این خود سبب شده بود دختران چرخه قاعدگی را بدون احساس شرم و یا ترس بپذیرند و سوالات و مسائل خود را با پدر در میان بگذارند و نگاه بیماری و یا تابو از آن زدوده شده بود. شایان ذکر است پدرانی که نقش حامی اطلاعاتی را داشتند، دو نفر بودند و اغلب پدران حامی اطلاعاتی دختران نبودند. دلایل عمده می‌تواند عدم آگاهی کافی والد، کلیشه‌ها و تابوهای مربوط به چرخه قاعدگی و احساس شرم، بی‌توجهی و... باشد.

«با بابام خیلی راحت‌ترم در این باره حرف بزنم. اگه سوالی برام پیش بیاد، از بابا می‌پرسم» (النا ۱۵ ساله).

**۴-۲. پدر بی‌اعتنا**

نقطه مقابل پدر حامی پدر بی‌اعتنا است. پدر بی‌اعتنا پدری است که به قاعدگی دختر خود اعتنایی ندارد و آن را نادیده می‌گیرد و از او حمایت عملی، عاطفی و اطلاعاتی به عمل نمی‌آورد. این امر سبب می‌شود رنج گذار در دوره بلوغ افزایش یابد. دختران عموماً معتقد بودند زمانی که پدر تغییرات بلوغ را نادیده می‌گیرد و بی‌اعتنایی می‌کند و آنان را در تهیه لوازم مورد نیاز، حمایت‌های عاطفی و... یاری نمی‌کند؛ ایشان از لحاظ جسمانی و روانی فشار بیشتری را تجربه و نتایج نشان می‌دهد که نگرشی منفی نسبت به هویت زنانه خود پیدا می‌کنند.

«بابام توجه نمی‌کنه، خودم به بهانه‌های مختلف می‌رم نوار بهداشتی می‌خرم. دلم که درد می‌کنه هم کار خاصی نمی‌کنه.

کلاً حواسش به من نیست. می‌فهمه که حالم خوب نیست، اما کار خاصی هم نمی‌کنه» (شادی ۱۵ ساله).

#### ۴-۲-۱. بی‌اعتنایی عملی

بیشتر مشارکت‌کنندگان بیان کردند در کنار پدرانی زندگی می‌کنند که به دلایل متعددی از جمله مشغله کاری، بی‌سوادی، بی‌توجهی و... توجه چندانی به حمایت از دختران خود در دوران قاعدگی ندارند. مشارکت‌کنندگان بیان کردند آنان خود به‌تنهایی مجبور به تهیه وسایل بهداشتی، قرص و لوازم موردنیاز هستند و به بهانه‌های مختلف از منزل خارج شده و لوازم مورد نیاز را تهیه می‌کنند. مشارکت‌کنندگانی که با پدر بی‌اعتنا زندگی می‌کنند، مراقبت‌های غذایی خاصی ندارند و همچنین پرهیز غذایی محدودی دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد این گروه از مشارکت‌کنندگان به‌علت احساس تنهایی در زنانگی خود و تنها روبه‌رو شدن با قاعدگی نسبت به جنسیت خود دلزده هستند و آن را مایه شرم و مزاحمت تلقی می‌کند.

«هرچیزی (نوار بهداشتی) می‌خواستم حساب داشت. می‌رفتم می‌گرفتم. یزد جوری هست که فامیل بودیم و حساب داشتیم. لازم داشتم، خودم می‌رفتم می‌خریدم» (مریم ۱۵ ساله).  
«هیچ‌وقت از پدرم درخواست نکردم نوار برام بگیره. همیشه عمه‌هام برام می‌گیرن» (سارا ۱۳ ساله).

#### ۴-۲-۲. بی‌اعتنایی عاطفی

نوجوانان در دوران بلوغ تغییرات هورمونی و جسمانی مختلفی را پشت سر می‌گذارند که این تغییرات منجر به شکل‌گیری نگرش نوجوان به خود و هویت‌یابی می‌شود. تغییرات رفتاری نوجوان در اثر تغییرات بلوغ، ویژگی اساسی این دوران است. رابطه و رفتار پدر با دختر مسئله بسیار مهمی است که تعیین‌کننده بخش اعظمی از هویت دختران پدرسرپرست است.

مشارکت‌کنندگان بیان کردند برخی از پدران نسبت به تغییرات رفتاری و تغییرات جسمی، از لحاظ عاطفی بی‌اعتنا هستند؛ بدین معنا که نوازش، توجه، هم‌صحبتی و حمایت کلامی را از فرزند خود دریغ می‌کنند و فرزند در این برهه حساس از زندگی احساس تنهایی را تجربه می‌کند. همچنین آنچه در میان دختران بسیار شایع بود فاصله عاطفی با پدر و در برخی از موارد احساس نفرت نسبت به تنها سرپرست خود یعنی پدر بود که حاصل بی‌توجهی پدر و تنش‌های تجربه‌شده در حین طلاق بود.

«رابطه‌مون بد نیست، اما باهش راحت نیستم. هیچ‌وقت در این باره با هم حرف نزدیم. نوازشم نمی‌کنه هیچ‌وقت. حس می‌کنم بعضی چیزها رو نمی‌تونه درک کنه. محبت نمی‌کنه بهم. احتیاج دارم با کسی درمیان بذارم که پریدم، اما الان نمی‌شه با بابام حرف بزنم» (نازنین ۱۵ ساله).

**۴-۳. بلوغ مسئله‌دار**

در جوامع سنتی و در حال گذار از سنتی به مدرن، مسائل مربوط به بلوغ و قاعدگی همچنان تابو است و نوجوانان درباره این مسائل با فقر آگاهی مواجه هستند. نوجوانان نسبت به تغییرات دوران بلوغ به‌عنوان امری مسئله‌مند می‌نگرند و نمی‌دانند چه برخوردی با این تغییرات داشته باشند و همچنین این مسئله توأمان با شرم و نگرش منفی است که سبب می‌شود مواجهه با بلوغ دشوار شود. دختران پدرسرپرست در غیاب مادر، بلوغ را با دشواری بیشتری تجربه می‌کنند؛ زیرا فردی همجنس که درک و تجربه مشابه از مسائل بلوغ داشته باشد، غایب است.

«اصلاً روم نمی‌شه به بابام بگم. یه روز پرپود شدم، خیلی درد داشتم، اصلاً نمی‌تونستم برم بیرون. مجبور شدم به داداشم بگم. بهش نگفتم، نوشتم تو کاغذ، گفتم اینو ببر فلان‌جا و بخر. اونم خدا رو شکر خانم بود و تو پلاستیک مشک‌گذاشته بود. واقعاً مشکله که با دو تا مرد بخوای زندگی کنی و درددل کنی و اینکه پسرا اصلاً گوش نمی‌دن» (مریم ۱۵ ساله).

«من با بابام اصلاً راحت نیستم. اصلاً ازش خوشم نمی‌آد. رابطه خوبی نداشتم. قبلش یه مدت ازش دور بودیم. بعد که اومدیم، لباس‌های پوشیده می‌پوشیدم. طلاق باعث شد لباسام پوشیده بشه. هرچی می‌خواستم دورادور به مامانم می‌گفتم. خیلی راحت‌تره. مامان می‌فهمه چه شرایطی پیش اومده، اما من همیشه فکر می‌کنم به کی بگم برام نوار بهداشتی بخره. به کی بگم دلم درد می‌کنه... خیلی برام سخت بود» (سارا ۱۳ ساله).

**۴-۳-۱. فراکنی ناخواسته قاعدگی**

مشارکت‌کنندگان در بیان تجربیات خود در دوران قاعدگی ذکر کردند که سعی می‌کنند روابط خود با پدر را محدود کنند و زمان زیادی را تنها در اتاق سپری کنند یا خود هیچ‌گونه تمایلی به صحبت در خصوص دردها و نیازهای خود با پدر ندارند و دوری‌گزینی را ترجیح می‌دهند. آنچه بسیار مشهود است، دوری‌گزینی از پدر و عدم تمایل به صحبت درباره نیازهای خود با پدر است. رابطه تهنی از صمیمیت را تجربه می‌کنند و این خود سبب بروز افت تحصیلی و نگرش منفی به هویت زنانه خود می‌شود. دختران در این دوره بیشتر نیازمند رابطه نزدیک و به دور از شرم با پدر هستند، اما آنچه عملاً تجربه می‌کنند ارتباط بسیار محدود با پدر در خانواده تک‌والد، عدم درخواست مستقیم و فاصله عاطفی است.

«الان که مامانم رفته، بابت سؤال‌هام خودم می‌رم جوابشو پیدا می‌کنم. می‌رم می‌زنم تو اینترنت. یا فکرشو می‌کنم. به حرفای بقیه فکر می‌کنم. زیاد از دوست‌هام سؤال نمی‌پرسم، مگر اینکه خیلی

واسه م سؤال شده باشه و جوابش توی اینترنت نباشه. از دوست صمیمیم فقط می‌پرسم» (یسنا ۱۴ ساله).

#### ۴-۳-۲. سخت‌دگی تقاضا

مشارکت‌کنندگان بیان کردند برای تهیه لوازم بهداشتی و داروی متناسب با دوران قاعدگی تقاضا به صورت مستقیم انجام نمی‌شود بلکه به طور غیرمستقیم از پدر پول دریافت می‌کنند و به قولی به بهانه‌های متفاوت لوازم بهداشتی را تهیه می‌کنند.

«برا خرید خوراکی ازش پول می‌گیرم، بعد می‌رم نوار بهداشتی می‌خرم» (محدثه ۱۵ ساله).  
 «می‌گم دلم درد می‌کنه، اما مستقیم نمی‌گم پریدم. می‌گم بابا برام قرص بخر. هیچ وقت مستقیم نمی‌گم. مثلاً پیام به بابام می‌دم که برام قرص بخر. اگر توی خونه باشه، باز پیام می‌دم. پیامک می‌دم بابا منو ببر داروخونه و خودم می‌رم قرص و نوار بهداشتی می‌گیرم» (رؤیا ۱۵ ساله).

#### ۴-۳-۳. شرم

برخی از مشارکت‌کنندگان قاعدگی را واقعه‌ای می‌دانستند که همراه با احساس شرم است و صحبت درباره آن و بیان دردهای خویش و نیازهای خویش امری نامطلوب است. قاعدگی در جامعه امری تابو است؛ صحبت درباره آن نامطلوب تلقی می‌شود، تهیه وسایل بهداشتی تابو تلقی می‌شود و در این میان در ذهن مشارکت‌کنندگان، این امور با نگرشی منفی تلقی می‌شد و آن‌ها برای تهیه وسایل نمی‌توانستند از تنها سرپرست خود یعنی پدر درخواست کمک کنند.

«حس بدی دارم. همیشه احساس خجالت دارم. اطلاعات کمی دارم. وقتی با بابا هستی نمی‌تونی صحبت کنی و فکر می‌کنی یه چیز خجالت‌آور. از خودم خجالت می‌کشم» (فرناز ۱۶ ساله).

#### ۴-۳-۴. رسیدگی نامطلوب

در غیاب مادر آنچه در میان دختران پدرسرپرست پررنگ بود عدم رسیدگی‌های خاص غذایی، مراقبت پزشکی، مراقبت عاطفی در دوران قاعدگی بود. دختران پدرسرپرست مورد مطالعه، خودآگاهی کافی درباره مراقبت‌های خاص این دوران نداشتند و همچنین مشارکت‌کنندگان بیان کردند که پدرانشان در این دوران اقدام خاصی انجام نمی‌دهند و آنچه رخ می‌دهد قاعدگی دردآور و مزاحم است.

«زمانی که با مادرم زندگی می‌کردم، مادرم برام دارو درست می‌کرد. چیزایی که خوب نبود رو می‌گفت نازنین نخور. به جاش برام غذای دیگه درست می‌کرد. از من نمی‌پرسید نوار بهداشتی داری

یا نه. خودش برام می‌خرد. دل‌م درد می‌گرفت، خودش قرص می‌آورد. وقتی پر بود می‌شم یا مریض می‌شم تب می‌کنم، مامانم دستمال خیس می‌کرد می‌داشت رو پیشونیم، اما الان اینطور نیست و کسی مراقبم نیست» (نازنین ۱۵ ساله).

## ۵. بحث

تحقیق حاضر در پی واکاوی تجربه زیسته دختران پدرسرپرست در دوران بلوغ و نقش پدر در این دوران با روش کیفی انجام شده است که تمرکز اصلی ما بررسی نقش پدر، کشف تجارب دوران بلوغ، نگرش به زنانگی و مسائل دختران در حیطه بلوغ بدون حضور همجنس خود یعنی مادر بود. نتایج تحقیق در قالب سه مضمون اصلی پدر حامی، پدر بی‌اعتنا و بلوغ مسئله‌دار مطرح شد. در این پژوهش دو شکل رفتاری از سوی پدران احصا شد؛ پدری که نسبت به بلوغ و قاعدگی دختر خود توجه نشان داده و به آن اهمیت می‌دهد و پدری که نسبت به بلوغ و تغییرات آن بی‌اعتنا است. زمانی که پدر نسبت به عادت ماهیانه توجه نشان می‌دهد، دختران احساس پذیرش، امنیت و آرامش بیشتری نسبت به زنانگی خود دارند و از زنانگی خود رضایت بالاتری دارند و احساس وحشت و تنفر از تغییرات دوران بلوغ به حداقل می‌رسد. سیندر (۲۰۱۳) نشان داد شایستگی پدران تنها و طلاق گرفته می‌تواند به برقراری ارتباط مثبت بینجامد، اما زمانی که پدران نسبت به درد و تغییرات خلق و خوی دختران خود بی‌اعتنا هستند، دختران از وجود زنانگی در خود رنج می‌برند؛ یعنی زنانگی خود را عاملی برای فرودست بودن، برای رنج زیستن و تأسف از جایگاه این جنسیت می‌نامند. با تفسیر این نتایج می‌توان گفت که ارتباط درست پدر و دختر در دوران بلوغ، اثرات مطلوبی بر بهداشت روانی-اخلاقی فرد و به تبع آن جامعه می‌گذارد. به نحوی که دخترانی که در سن بلوغ رابطه بهتری با پدرانشان دارند، در تحصیل و دوست‌یابی موفق‌تر هستند، در تأمین نیاز عاطفی به بیراهه نرفته و تسلیم هیجانات عاطفی خود نمی‌شوند. همچنین در زندگی زناشویی ضمن رابطه بهتر با همسرانشان، از سلامت روانی و جسمی بهتری برخوردارند. بر خلاف رویکرد فوکو و فمینیست‌ها، می‌توان گفت که نقش پدر در چنین مواردی، بیشتر از آنکه از زاویه قدرت و دانش مبتنی بر سلطه و سرکوب باشد، نقش آگاهانه نسبت به تغییرات بلوغ در دختر و موضع‌گیری درست و طبیعی نسبت به این امر است. به واقع، پذیرش این امر طبیعی در پدران، باعث می‌شود که روند بلوغ به صورت طبیعی طی شود و دختر رضایت بیشتری از این تجربه داشته باشد. با وجود این، در جامعه‌ای مثل ایران، که موضوع بلوغ دختر برای پدر و برادر، هنوز همراه با تابوهای اجتماعی و فرهنگی است، پذیرش چنین امری نیازمند گذر زمان و افزایش دانش و اطلاعات پدران جامعه نسبت به موضوع است.

با وجود پدر حامی، دو مضمون دوم و سوم تحقیق حاضر به نظریه فوکو و رویکردهای فمینیستی نزدیکی بیشتری دارد. آنچه در این تحقیق ملاحظه می‌شود این است که در نبود مادر، پدر نتوانسته جایگزین مناسبی برای اطلاع‌رسانی باشد؛ زیرا تابوهای فرهنگی جامعه مانع از آن می‌شوند که پدر مستقیماً درباره موضوع عادت ماهیانه و بلوغ با دختر خود صحبت کند. مردسالاری حاکم در جامعه نیز نقش مؤثری در ایجاد مانع در خصوص صحبت درباره عادت در دختران می‌شود؛ اغلب دختران از دوران عادت ماهیانه خود شرم دارند؛ شرم از فاش شدن عادت ماهیانه. به همین سبب نگاه طبیعت‌گرایانه به آن در میان مشارکت‌کنندگان کم‌رنگ است، در جوامع مردسالاری دخترانی که پدران بی‌اعتنا دارند، خودشان لوازم بهداشتی را از داروخانه و سوپرمارکت تهیه می‌کنند. اگرچه در تحقیق حاضر مورد سؤال واقع نشد، اما تهیه این ملزومات نیز در بستر جامعه ما هنوز با محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی مواجه است و امری ساده نیست. هرچند که پدر از بلوغ دختر و پیروزی آن آگاهی دارد اما آن آگاهی را فاش نمی‌کند و خود را از جوانب متعدد حمایت، مراقبت و مهربانی کردن به دختر خود دور می‌کند. همچنین در جامعه سنتی یزد تربیت دختران وظیفه مادران تلقی می‌شود، بنابراین بدون وجود مادر، پدر اطلاعات کافی در حیطه بلوغ ندارد؛ به همین سبب خود را کنار می‌کشد و نقش خود را به‌عنوان پدر بی‌اعتنا در ذهن دختران تثبیت می‌کند.

شرم زیاد از مسائل بلوغ و تجربیات منفی ناشی از آن همچنان در بین مصاحبه‌شوندگان قابل تأمل بود. فهس (۲۰۲۰)، هنگان و همکاران (۲۰۱۹)، راجاگوپال و ماتور (۲۰۱۷)، باقری‌نیا و همکاران (۱۳۹۸) و سلطان‌احمدی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقات خود به این شرم زنانه اشاره کرده‌اند. شرم کردن از یک پدیده طبیعی و زیستی ناشی از جامعه‌پذیری نادرست در محیط اجتماع بالأخص در خانه و مدرسه در خصوص بلوغ دختران در میان افراد و احاد جامعه است. زمانی که دختران در زمان قاعدگی به عبارت (مریض شدم) اشاره می‌کنند یا با ابراز نشانه‌هایی مانند دل‌درد و ناراحتی در چهره خود وجود قاعدگی را نشان می‌دهند به این نتیجه می‌رسیم که در جامعه ما مسئله پیروزی تابویی بزرگ و سدی شکست‌ناپذیر است. تجربیات دختران در جامعه نشان می‌دهد که در موارد بسیاری، آن‌ها تلاش می‌کنند عادت‌شدن خود را از پدر یا برادر (ان) خود پنهان کنند و سؤال اساسی در اینجا این است که چرا باید این‌گونه باشد. به نظر می‌رسد که تابوهای مردانه هنوز به شرایط پذیرش این امر زیستی در دختران نرسیده است و این یک امر ناهنجار است، همچنان که در مضامین دوم و سوم تحقیق به دست آمد که بلوغ مسئله‌دار را به همراه داشت.

تحقیق حاضر نشان داد دانش و آگاهی مشارکت‌کنندگان در حیطه بلوغ اندک است. آذربهرام و همکاران (۱۳۹۸)، آهون‌بر و همکاران (۱۳۹۵) و کاشفی و همکاران (۱۳۹۲) نیز در تحقیقاتشان به

این موضوع اشاره کرده‌اند. مطابق نتایج تحقیق، در بین دختران پدرسرپرست، عدم آگاهی بیشتر خود را نشان می‌دهد و غالباً منبع کسب اطلاعات درباره بلوغ و عادت ماهیانه در این دختران اینترنت، اقوام نزدیک و همچنین از سایر دوستان دختری است که مادرشان طلاق گرفته‌اند. بهتر است محیط‌های آموزشی این آگاهی را در اختیار دختران بگذارند. در مدارس به‌طور معمول مشاوران یک‌مرتب با دختران درباره بلوغ و عادت ماهیانه صحبت کرده‌اند اما این آموزش درباره بلوغ فقط یک‌بار و به‌صورت مقطعی بوده و متناوب ادامه پیدا نکرده است لذا دختران در این حوزه کمبود اطلاعات دارند. به‌طور کلی کیفیت روابط پدر و دختر می‌تواند بر تجربیات دختران از بلوغ، از جمله بهزیستی جسمی و عاطفی دختران، تأثیر بگذارد. روابط مثبت با پدران می‌تواند حمایت اجتماعی و عاطفی را فراهم کند که باعث می‌شود رشد سالم در سال‌های نوجوانی ارتقا داده شود. از سوی دیگر، غیبت پدر یا روابط منفی می‌تواند به‌طور بالقوه منجر به طیفی از پیامدهای منفی مانند بلوغ زودرس، فعالیت جنسی اولیه و علائم افسردگی شود.

تحقیق حاضر نشان می‌دهد تجربه بلوغ دختران مورد مطالعه اگرچه به‌عنوان یک امر زنانه تلقی می‌شود، با درک، نگرش و رفتار پدر مرتبط است. پذیرش این امر از سوی پدر و همدلی، کمک زیادی به دختر می‌کند تا نگاه مثبتی به این تجربه و در سطحی بالاتر به جنسیت خود داشته باشد. روشن است که چنین درک و تجربه‌ای در دختر می‌تواند بر فرایندهای آتی زندگی‌اش، بعد از ازدواج و در دوران بارداری و حتی یائسگی نیز تأثیر داشته باشد. این یافته، اهمیت بسیار بسزایی در بستر اجتماعی و فرهنگی در جامعه ما دارد. به نظر می‌رسد که بستر اجتماعی و فرهنگی ما نیازمند بازتعریف روابط و تعاملات خانوادگی و والدینی در موضوع بلوغ دختران است. اگرچه تغییرات اجتماعی اخیر، تا حدودی از تابو بودن مسئله کاسته، اما تا رسیدن به شرایطی که پدر و احتمالاً برادر(ان) بتوانند به‌صورت هوشمندانه موضوع را مدیریت کنند، فاصله هست. از سوی دیگر، با توجه به نرخ طلاق در جامعه و وجود دختران پدرسرپرست، آموزش‌های لازم به این پدران درمورد این موضوع از سوی مراکز بهداشتی، درمانی و مراکز مشاوره‌ای داده شود. از آنجایی که تجربه مثبت بلوغ می‌تواند با دیگر رفتارهای دختر به‌خصوص در موضوعات جنسی و سلامت جنسی همراه باشد، براساس یافته‌های تحقیق، می‌توان گفت که نقش مثبت پدر می‌تواند به پیامدهای مثبت در سایر موضوعات مرتبط با سلامت جنسی در زندگی دختر بینجامد. این زمینه نیازمند مطالعات اکتشافی دیگر است.

## ۶. نتیجه‌گیری

به‌طور کلی تحلیل یافته‌ها، تصویری از تجارب دختران پدرسرپرست در دوران قاعدگی را ارائه می‌دهد که بیانگر این موضوع است که قاعدگی اگرچه پدیده‌ای زیستی تلقی می‌شود، اما در نمونه‌های مورد مطالعه به‌شدت متأثر از کنشگری مردان (پدر یا برادر) و بستر خانوادگی مردانه است؛ بدین معنا که تجربه بلوغ افراد مورد مطالعه در پیوند با نگرش و شیوه مواجهه پدر یا برادر با شروع قاعدگی دختر است. به این ترتیب تجربه قاعدگی در خانواده پدرسرپرست متأثر از قدرت مردانه و جایگاه پدر است. در جامعه‌ای با گفتمان مردانه، مسائل مربوط به زنانگی به‌عنوان امری ثانویه و یا حتی تابو و سبب شرمساری تلقی می‌شود. مواجهه پدران با مسائل دختران به‌خصوص در حوزه بلوغ و به‌طور خاص قاعدگی در اغلب مشارکت‌کنندگان بی‌اعتنایی پدر است؛ زیرا پدر به‌عنوان فردی که در رابطه متقابل خود و دختر دارای قدرت بیشتری است و دانش فرهنگی وی نیز قاعدگی را تابو می‌شمارد در اغلب موارد نمی‌تواند ارتباطی مبتنی بر پذیرش را برقرار کند. تعداد کمی از مشارکت‌کنندگان در خانواده‌ای بودند که پدر قاعدگی را به‌عنوان امری طبیعی تلقی می‌کرد. مطابق با چارچوب نظری خود آینه‌سان کولی<sup>۱</sup>، مواجهه آسان با قاعدگی و در پس آن پذیرش زنانگی در پیوند با مواجهه پدر با قاعدگی است. بدین معنا که اگر دختر نوجوان تصور کند در ذهن پدر، قاعدگی و زنانگی امری طبیعی است و قضاوت پدر درباره تغییرات بلوغ مثبت است؛ در نتیجه از قضاوت و نگرش پدر، در خود احساس مثبت و همراه با پذیرش زنانگی و رضایت را تجربه می‌کند. آنچه در این تحقیق مشاهده شد، این بود که در برخی از موارد حمایت اطلاعاتی، عاطفی و عملی توأمان بود؛ اما در میان برخی از مشارکت‌کنندگان حمایت عملی و عاطفی بود اما حمایت اطلاعاتی نبود. مهم‌ترین دلیل فقدان حمایت اطلاعاتی دانش‌اندک در این زمینه است. توجه سیاست‌گذاران اجتماعی و فرهنگی و حوزه خانواده به موضوع بلوغ دختران، افزایش دانش و مهارت پدران در خانواده‌های پدروالد در این زمینه، پیشنهاد تحقیق حاضر است.

## ۷. پیشنهادها

- تهیه کتابچه آموزشی مخصوص دختران و پدران؛
- تشویق ارتباط باز و صادقانه بین پدر و دختر به‌وسیله مشاوران مدرسه؛
- کمک و مشاوره به خانواده‌های پدرسرپرست به‌وسیله مشاور، مسئولان بهداشت و مددکار؛
- برگزاری جلسات آموزشی برای پدران در خصوص بلوغ دختران.



## ۸. تعارض منافع

در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

## References

- Abbasi, E., Sadr, A., Rest, M., & Mohamed Khan Kermanshahi, S. (2013). Knowledge, Attitude and Practice of Female High School Students in Ilam Province in relation to Personal Hygiene (Hygiene during Menstruation). *Psychological Achievements*, 20(2), 93-116. (In Persian)
- Afshari, P., & Pazhohideh, S. (2016). The knowledge of Iranian high school girls about needs of puberty and menstruation. *Research and Health*, 6(2), 205-212. (In Persian)
- Ahunbar, S., & Mohammadian, F. (2017). Effectiveness of Education on Girl Students' Awareness of Puberty in Secondary Schools of the City of Ilam. *Ilam Culture*, 17(52-53), 51-62. (In Persian)
- Asghari, A. (2022). *Ethnography of Female Celibacy Aged over thirty-year-old in the City of Arak*. Unpublished Master's Thesis. Yazd University. (In Persian)
- Azadarmaki, T. (2019). *The sociology of the Iranian family*. Tehran: Samt. (In Persian)
- Azarbahram, E., & Maghsoodi, S. (2020). A study of the lived experience of gifted female students in Kerman from their menstruation. *Social Work Research*, 6(22), 159-198. <https://doi.org/10.22054/rjsw.2021.58269.464> (In Persian)
- Azdanlou, H. (2005). *Fundamental sociological concepts: An Introduction*. Tehran: Ney. (In Persian)
- Bagherinia, M., Safajo, F., & Sediq Mubarakabadi, S. (2019, December). *Menstruation experience among Iranian women: (a qualitative study using Instagram collection method)*. 8<sup>th</sup> International Conference on Women's Health. Tehran: Shiraz University of Medical Sciences. (In Persian)
- Bello, B. M., Fatusi, A. O., Adepoju, O. E., Maina, B. W., Kabiru, C. W., Sommer, M., & Mmari, K. (2017). Adolescent and Parental Reactions to Puberty in Nigeria and Kenya: A Cross-Cultural and Intergenerational Comparison. *Journal of Adolescent Health*, 61(4), 35-41. <https://doi.org/10.1016/j.jadohealth.2017.03.014>

- Berk, L. (2018). *Development through the lifespan*. (Vol. 2). Translated by: Y. Seyed Mohammadi. Tehran: Arasbaran. (In Persian)
- Bobel, C. (2010). *New blood: Third-wave feminism and the politics of menstruation*. New Brunswick, New Jersey, United States: Rutgers University Press.
- Cooper, S. C., & Koch, P. B. (2007). "Nobody told me nothin": Communication about menstruation among low-income African American women. *Women & Health*, 46(1), 57-78. [https://doi.org/10.1300/J013v46n01\\_05](https://doi.org/10.1300/J013v46n01_05)
- Douglas, M. (2002). *Purity and danger: An analysis of concept of pollution and taboo*. London, England, United Kingdom: Psychology Press.
- Eslamimehr, F., Rakhshani, F., Ramezankhani, A., & Khodakarim, S. (2016). Assessment of an educational intervention effectiveness on promoting menstrual knowledge and related health behaviors in female high school students in Khamir city in 2015-2016. *Health in the Field*, 5(1), 53-62. <https://doi.org/10.22037/jhf.v5i1.16233> (in Persian)
- Fahs, B. (2020). There Will Be Blood: Women's Positive and Negative Experiences with Menstruation. *WomensReproductiveHealth*, 7(1), 1-16.
- Fatemi, M., Nazemian, N., Zarei, N., Mehraeen, M., Sadati, A. K., & Joulaei, H. (2023). Ignored Sexual and Reproductive Health Education for Adolescents: Findings from a Qualitative Study in Southwest, Iran. *Sexuality Research and Social Policy*, 1-12. <https://doi.org/10.1007/s13178-023-00834-> (In Persian)
- Hashemi, A., & Ghasemi, Y. (2020). Doing a Research by Thematic Analysis: A Practical, Step-by-Step Guide for Learning and Teaching (Case Study: Music usage of M.A. Students at Ilam University. *Ilam Culture*, 20(64), 7-33. (In Persian)
- Hennegan, J., Shannon, A. K., Rubli, J., Schwab, K. J., & Melendez-Torres, G. J. (2019). Women's and girls' experiences of menstruation in low-and middle-income countries: A systematic review and qualitative metasynthesis. *PLoS Medicine*, 16(5), e1002803. Doi: <https://doi.org/10.1371/journal.pmed.1002803>
- Kalateh Sadati, A., & falakodin, Z. (2022). The role of the Covid-19 pandemic in the growth of aiding: a case study of students of Yazd universities. *Social Problems of Iran*, 13(1), 209-227. (In Persian)
- Kashefi, F., Nasiry Zarin Ghabaee, D., Bavandi, H., Aliakbari, R., Aliakbari, A., & Sharafi, A. (2014). Knowledge and performance about menstrual

- hygiene in high school students in Bojnurd. *North Khorasan University of Medical Sciences*, 5(5), 989-996.  
<http://dx.doi.org/10.29252/jnkums.5.5.S5.989> (In Persian)
- Khalili, S., & Bakhtiari, A. (2008). A psychological approach to girls' maturity. *Women's Strategic Studies*, 11(41), 197-218.  
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.20082827.1387.11.0.18.7> (In Persian)
- Koskenniemi, A. (2022). Taking Charge of the Menstrual Cycle: Discourses of Menstruation and the Menstruating Body in Self-Help Literature. *Women's Reproductive Health*, 1-18.
- Martin, E. (2001). *The Woman in the Body: A Cultural Analysis of Reproduction*. Boston: Beacon Press.
- Najafi, F., Mozafari, S., & Mirzaee, S. (2012). Assessment of 3rd Grade Junior School Girl Students' Knowledge and Attitude toward Puberty Age Sanitation. *Guilan University of Medical Sciences*, 21(81), 22-28. (In Persian)
- Rajagopal, S., & Mathur, K. (2017). Breaking the silence around menstruation?: experiences of adolescent girls in an urban setting in India. *Gender & Development*, 25(2), 303-3017.
- Rubin, G. (1975). The Traffic in Women: Notes on the "Political Economy" of Sex. In Rayna R. Reiter (ed.), *Toward an Anthropology of Women*. *Monthly Review Press*, 157-210.
- Saroukhani, B. (2017). *Sociology of Family*. Tehran: Soroush. (In Persian)
- Schmitt, M. L., Hagstrom, C., Nowara, A., Gruer, C., Adenu-Mensah, N. E., Keeley, K., & Sommer, M. (2021). The intersection of menstruation, school and family: Experiences of girls growing up in urban cities in the USA. *International Journal of Adolescence and Youth*, 26(1), 94-109.
- Schor, J. (1998). *The Overspent American: Upscaling, Downshifting, and the New Consumer*. New York City: Basic Books.
- Shamshri Milani, H. (2013). *Family Health*. In H. Hatami, & co-worker, public health (Vol. 3, p. 1826). Tehran: Arjmand. (In Persian)
- Sider, S., & Currie, H. (2013). Daughters of Single Fathers: Working as a Team. *Canadian Journal of Family and Youth/Le Journal Canadien de Famille et de la Jeunesse*, 5(1), 65-89.

- Soltanahmadi, Z., Borhani, F., & Kohan, M. (2012). The First Menstruation Experience among Student Girls. *Qualitative Research in Health Sciences*, 1(2), 81-91. (In Persian)
- Statistical Centre of Iran. (2018). Seven Percent of the Country's Households are Single-Parent.
- Taheri Demneh, M., & Heidari Darani, Z. (2020). Women and future transformations; an analysis of images of the future in the minds of women born in 1370s. *Women in Development and Politics*, 17(4), 539-555. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2020.287234.1007698> (In Persian)
- White, k. (2017). *An Introduction to the Sociology of Health and Illness*. Translated by: M. Naseri Rad. Tehran: Shahid Beheshti University of Medical Science. (In Persian)

